

مرحوم علامه اقبال لاهوری :

تیغ لا چون از میان بیرون کشید
از رگ ارباب باطل خون کشید
نقش الا الله بر صحرا نوشت
سطر عنوان نجات ما نوشت
رمز قرآن از حسین علیه السلام آموختیم
ز آتش او شعله‌ها اندوختیم
شوکت شام و فر بغداد رفت
سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تار ما از زخمه‌اش لرزان هنوز
تازه از تکبیر او ایمان هنوز
بر زمین کربلا بارید و رفت
لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
موج خون او چمن ایجاد کرد
بهر حق در خاک و خون غلتیده است
پس بنای لاله گردیده است^۱

* * *

۱. مناقب اهل بیت اطهار علیهم السلام در آثار علامه محمد اقبال، ص ۱۲۰.

الحديث القدسی :

یا محمد صلی الله علیه و آله... و جعلت حسیناً خازن وحیی و اکرمته بالشهادة و اعطيته موارث الانبیاء فهو سید الشهداء، و جعلت کلمتی الباقیة فی عقبه اخرج منه تسعة ابرار هداة اطهار^۱.
خدای تعالی به رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

امام حسین علیه السلام را خازن وحی خودم قرار دادم، و او را گرامی داشتم با مقام شهادت، و ارثیه پیامبران را به او دادم، و کلمه باقیه و ماندگار خودم را در نسل او قرار دادم، و از او متولد می‌کنم ائمه نه گانه، هدایت را که همگی ابرار و اطهار هستند.

* * *

□ نکته‌ها و پیام‌ها:

۱ خازن وحی را شاید مناسب باشد صفت مشبیه معنی کرد، هرچند کلمه خازن به ظاهر اسم فاعل را می‌ماند، اما صفت مشبیه با وزن فاعل هم داریم. بنابراین معنای خازن وحی یعنی امام حسین علیه السلام همیشه همراه وحی است و

۱. الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیة، ص ۲۰۸، مرحوم شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی.

تمام اعمال و اقوالش کاملاً مطابق وحی و دستور خدای تعالی می باشد، چنانچه خود آن حضرت هم هنگام خارج شدن از مکه به سوی کربلا، تصریح فرمود که رضا و خشنودی خدای تعالی هدف و رضای ما ائمه اهل بیت علیهم السلام می باشد.

و این قسمت حدیث بیانگر چند نکته است:

الف - کلمه «جعل» که در حدیث است صراحت دارد امامت و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعل و نصب خدای تعالی است، نه بوسیله انتخابات و نه بوسیله نصب غیر خدای تعالی، همانطوری که نصب و بعث پیامبران هم چنین هستند. تجاوز در این نوع امورات، بدترین ظلم هاست.

چون هم به خویشتن و هم به دیگران ظلم کرده و هم هدایت انسانها را دچار مشکل کرده است.

۲ ممکن است خازن وحی به معنای مخزن و جایگاه و مهبط وحی باشد، چنانکه در جامعه کبیره امام معصوم را «مختلف الملائكة و مهبط الوحی» معرفی می کند، یعنی امام حسین علیه السلام مرکز رفت و آمد فرشتگان و جایگاه نزول وحی الهی می باشد.

باتوجه به این مطلب که امام معصوم قرآن ناطق است، تصور اینکه امام حسین علیه السلام مخزن وحی می باشد، آسان می شود، چنانکه قرآن کریم مجموعه و مخزن وحی و آیات الهی است مکتوباً، امام حسین علیه السلام نیز مخزن وحی و آیات الهی است ناطقاً، در واقع قرآن کریم را خدای تعالی در دو نسخه نازل کرده است:

الف - مکتوب که قرآن کریم است.

ب - ناطق که امام حسین علیه السلام است.

مشترکات و تشابهات قرآن کریم و امام حسین علیه السلام زیادند از جمله:

۱- بدون وضو جایز نیست تماس داشتن با آیات قرآن کریم همینطور تماس

بدون وضو با نام امام حسین علیه السلام نیز جایز نیست.

۲- هر چقدر پاکی و نیکی بیشتر باشد، بهره و برداشت از قرآن کریم بیشتر می شود، و این چنین است بهره مندی از برکات امام علیه السلام، و به همین خاطر بود که سلمان فارسی بیش از دیگران از برکات امام علیه السلام استفاده کرد.

۳- همانطور که قرآن کریم در لیلۃ القدر نازل شد، هکذا در لیلۃ القدر تمامی ملائکه به محضر امام علیه السلام نازل می شوند.

«... عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال یا هذیل انا لا نخفی علینا لیلۃ القدر، انّ الملائكة یطوفون بنا فیها»^۱.

امام باقر علیه السلام می فرماید: شب قدر برای ما پوشیده نیست چون تمامی ملائکه در شب قدر به دور ما طواف می کنند.

۴- بر اساس تصریح حدیث ثقلین، قرآن کریم تنها هم وزن و لنگه اش امام معصوم است مثل دو کفه ترازو.

۵- قرآن کریم را کسی تالیف نکرده، امام معصوم هم نزد کسی تلمذ و تعلیم ندیده است.

۶- قرآن کریم تبیان کل شیء است، امام معصوم عالم بما کان و ما یکون است.

۷- از مقابله با قرآن کریم حتی یا کوچکترین سوره اش همگان عاجزند، از مقابله با امام معصوم همه علماء عاجزند حتی با دوران کودکی امام معصوم.

۸- عجز و بطلان و نیستی و عدم بر قرآن کریم و امام معصوم راه ندارد، لذا با اینکه امام حسین علیه السلام را در کربلا طوری به شهادت رسانیدند که براحتی جسد مطهرش قابل شناخت نبود ولی باطل و معدوم نشد. بلکه بر عکس قاتلانش و دشمنانش با این جنایت بزرگی که مرتکب شدند برای همیشه در دنیا و آخرت

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۳۹، شیخ عبد علی عروسی حویزی.

باطل و معدوم و منفور گشتند.

۹- قرآن کریم کتاب خدای تعالی، امام معصوم تربیت شده خدای تعالی است، چنانچه در حدیث نبوی می فرماید: «أَنَا صَنَائِعُ رَبِّنَا؛ ما تربیت یافته خدای تعالی هستیم».

۱۰- اگر رسول خدا ﷺ قرآن کریم را به مردم ابلاغ و معرفی نمی کرد گویا اصلاً رسالتش را ابلاغ و تمام و کامل نکرده، همچنین در غدیر خم خدای تعالی به رسول خدا ﷺ دستور می دهد امامت و ولایت امام ﷺ را به مردم بیان و ابلاغ کن و الاً گویا هیچ رسالت او را ابلاغ نکرده ای^۱.

۳ «اكرمه بالشهادة» خدای تعالی گرامی و مورد تکریم قرار داد امام حسین ﷺ را به وسیله شهادت. معلوم می شود:

- ۱- شهادت در راه خدای تعالی نه تنها معدوم شدن نیست، مرگ معمولی هم نبوده بلکه مرگی توأم با مقام یافتن و درجه گرفتن از خدای تعالی است.
- ۲- شهیدان در درجات بالای بهشت خواهند بود، چون شهادت مرگ معمولی نیست تا در بهشت معمولی وارد شود.
- ۳- معلوم می شود قاتلان شهداء مرگشان معذب ترین مرگ، و جهنمشان و عذابشان درناکترین خواهد بود.
- ۴- شهیدان و یاکسانی را که خدای تعالی آنان را گرامی بدارد، مکتب و مرام و آثار و اهدافشان مؤثر و ماندگار است.
- ۵- مکتب و مرام و آثار و اهداف دشمنان شهداء بی اثر و در معرض زوال اند، چون مغضوب درگاه خدای تعالی می باشند.

۱. سورة مائده، آیه ۶۷.



۶- هرچقدر شهید شخصیت بالا و والایی داشته باشد، محدوده اثرگذاری و ماندگاری مکتب و مرامش کمّا و کیفاً وسیعتر خواهد بود، چون قرب و مقام بیشتری نزد خدای تعالی دارد.

۷- محدوده اثرگذاری شهادت امام حسین ﷺ بسیار وسیع و بی نظیر و شامل همه تاریخ و انسانها تا روز قیامت و بعد از قیامت است، و برکات شهادتش به تنهایی از برکات همه شهیدان بیشتر بوده و اصلاً قابل قیاس نیست، چون شخصیتش بی نظیر و منحصر به فرد و از جمیع جهات احاطه به عصمت، و نزد پروردگار متعال بالاترین تقرّب را دارد.

۸- جامعه کبیره که منشور کامل و جامع ولایت و امامت است، و از برکات حضرت امام علی الهادی سلام الله علی می باشد، امام معصوم را «بقیة الله» و «المکرمون» و «المقرّبون» معرفی می فرماید.

بنابراین حضرت امام حسین ﷺ هم به عنوان امام معصوم و هم به عنوان افضل شهیدان، از بقاء و ماندگاری و گرامی بودن نزد خدای تعالی، و اوج تقرّب مضاعف و چند برابری برخوردار است.

۴ خدای تعالی امام حسین ﷺ را خازن و حافظ وحی خودش قرار داد، و این مهم بوسیله شهادت امام ﷺ میسر شد و لذا تاکنون دین اسلام به طور کامل و بدون دستبرد و تحریف باقی مانده است، همانطوری که در آداب اسلامی جهت حفاظت و سلامتی قربانی می کنند، خدای تعالی هم برای خاطر هدایت انسانها و حفظ و دفع هرگونه تحریف و دستبرد از دین اسلام از امام حسین ﷺ خواست تا خود و خانواده و اصحابش را آماده قربانی شدن و شهادت کند. و امام حسین ﷺ در یکی از فرمایشاتش فرمود: اگر دین جدّم جز با شهادت من تداوم نمی یابد پس ای شمشیرها مرا به شهادت برسانید.



بنابراین دین اسلام به قدری باارزش است که شخصیتی مانند امام حسین (علیه السلام) خود را فدای اسلام می‌کند، هر چند در عالم آخرت مقام امام معصوم بالاتر است. و این درسی است از امام حسین (علیه السلام) که برای حفظ چیز واجب‌تر باید از واجب گذشت، چرا که حفظ جان برای انسان واجب است ولی واجب‌تر از حفظ جان، حفظ دین اسلام است لذا امام حسین (علیه السلام) جانش را فدای حفظ دین اسلام کرد.

و حتی اگر اصل دین اسلام در خطر باشد تقیه کردن هم جایز نیست.

۵ کلمه «اعطیت» در حدیث قدسی مورد بحث نکات قابل توجهی دارد:

۱- تعبیر به «اعطیت» بیانگر لطف ویژه خدای تعالی به امام حسین (علیه السلام) است چون اعطیت به معنای بخشش و اعطا توأم با تکریم است، در حالیکه می‌شد به جای اعطیت از کلمه «آتیت» که به معنای دادن بدون تکریم است، استفاده کند. همانطوری که استفاده از کلمه «اعطیناک» در سوره کوثر حاکی از این معنا می‌باشد. «تعبیر به اعطیناک و نه آتیناک دلیل بر این است که خداوند کوثر را به حضرتش بخشیده و اعطا فرموده است»^۱.

۲- تعبیر «اعطیت» بیانگر این نکته مهم است که چیز بخشیده شده بسیار باارزش است بطوری که ارزش آن را کسی جز خدای تعالی نمی‌داند.

۳- چون هدیه کننده و بخشنده در اینجا خدای تعالی است، و ارزش هدایا نوعاً متناسب با شخصیت هدیه کننده و بخشنده می‌باشد، معلوم می‌شود هدیه که میراث پیامبران باشد، و هدیه کننده که خدای تعالی باشد، در میان هدایا مطلقاً بی‌مثل و باارزش‌ترین است، و برآستی هم چنین است ارزش میراث پیامبران را جز خدای تعالی و رسول گرامی اش کسی نمی‌داند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۷.

۴- در میان مردم هم مرسوم است که اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد اشیاء قیمتی و وصیتهایش را به فردی مطمئن و باشخصیت می‌سپارد، خدای تعالی هم میراث پیامبران و اسرار و وصایای آن بزرگواران را به امام حسین (علیه السلام) عطا کرد، و این دلیل قرب و مقام بالای امام حسین (علیه السلام) در نزد خدای تعالی است.

۵- خدای تعالی می‌فرماید من عطا کردم به امام حسین (علیه السلام) میراث پیامبران را «ضمیر متکلم آورده تا خصوصیت بیشتری را برساند»^۱.

۶ طبق تصریح حدیث قدسی امام حسین (علیه السلام) وارث همه پیامبران می‌باشد، از حضرت آدم (علیه السلام) تا حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم)، بنابراین تمامی کتب آسمانی و اسرار و علوم و معجزات آن بزرگواران نزد امام حسین (علیه السلام) است و «در زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده است: «السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبی الله...» در این جملات اگرچه اسم انبیای الهی (علیهم السلام) آمده و آنان به مثابه مورث سالار شهیدان معرفی شده‌اند، لیکن وصف مذکور بعد از هریک، نشانگر ویژگی میراث است؛ یعنی امام حسین (علیه السلام) وارث «صفوة» و برگزیده بودن آدم (علیه السلام)، «نبوت» نوح (علیه السلام)، «خلّت» و دوستی ابراهیم (علیه السلام)، «کلیم» بودن موسی (علیه السلام)، «روح الله» بودن عیسی (علیه السلام)، «حبیب الله» بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، و «امیر مؤمنان» بودن علی (علیه السلام) بود. بدین ترتیب، مجموع کمالات گذشته در یک جا جمع شده است؛ «آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری»

... هرچند آن حضرت (امام حسین (علیه السلام)) دارای مقام شامخ نبوت تشریعی و رسالت، معهود نبود»^۳.

۱. تفسیر نوین، ص ۳۵۵.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

۳. ادب فنای مرقیان، ج ۲، ص ۹۵، آیه الله جوادی آملی.

بنابراین دین اسلام به قدری باارزش است که شخصیتی مانند امام حسین (علیه السلام) خود را فدای اسلام می‌کند، هر چند در عالم آخرت مقام امام معصوم بالاتر است. و این درسی است از امام حسین (علیه السلام) که برای حفظ چیز واجب‌تر باید از واجب گذشت، چرا که حفظ جان برای انسان واجب است ولی واجب‌تر از حفظ جان، حفظ دین اسلام است لذا امام حسین (علیه السلام) جانش را فدای حفظ دین اسلام کرد.

و حتی اگر اصل دین اسلام در خطر باشد تقیه کردن هم جایز نیست.

۵ کلمه «اعطیت» در حدیث قدسی مورد بحث نکات قابل توجهی دارد:

۱- تعبیر به «اعطیت» بیانگر لطف ویژه خدای تعالی به امام حسین (علیه السلام) است چون اعطیت به معنای بخشش و اعطا توأم با تکریم است، در حالیکه می‌شد به جای اعطیت از کلمه «آتیت» که به معنای دادن بدون تکریم است، استفاده کند. همانطوری که استفاده از کلمه «اعطیناک» در سوره کوثر حاکی از این معنا می‌باشد. «تعبیر به اعطیناک و نه آتیناک دلیل بر این است که خداوند کوثر را به حضرتش بخشیده و اعطا فرموده است»^۱.

۲- تعبیر «اعطیت» بیانگر این نکته مهم است که چیز بخشیده شده بسیار باارزش است بطوری که ارزش آن را کسی جز خدای تعالی نمی‌داند.

۳- چون هدیه کننده و بخشنده در اینجا خدای تعالی است، و ارزش هدایا نوعاً متناسب با شخصیت هدیه کننده و بخشنده می‌باشد، معلوم می‌شود هدیه که میراث پیامبران باشد، و هدیه کننده که خدای تعالی باشد، در میان هدایا مطلقاً بی‌مثل و باارزش‌ترین است، و برآستی هم چنین است ارزش میراث پیامبران را جز خدای تعالی و رسول گرامی اش کسی نمی‌داند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۷.

۴- در میان مردم هم مرسوم است که اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد اشیاء قیمتی و وصیتهایش را به فردی مطمئن و باشخصیت می‌سپارد، خدای تعالی هم میراث پیامبران و اسرار و وصایای آن بزرگواران را به امام حسین (علیه السلام) عطا کرد، و این دلیل قرب و مقام بالای امام حسین (علیه السلام) در نزد خدای تعالی است.

۵- خدای تعالی می‌فرماید من عطا کردم به امام حسین (علیه السلام) میراث پیامبران را «ضمیر متکلم آورده تا خصوصیت بیشتری را برساند»^۱.

۶ طبق تصریح حدیث قدسی امام حسین (علیه السلام) وارث همه پیامبران می‌باشد، از حضرت آدم (علیه السلام) تا حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم)، بنابراین تمامی کتب آسمانی و اسرار و علوم و معجزات آن بزرگواران نزد امام حسین (علیه السلام) است و «در زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده است: «السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبی الله...» در این جملات اگرچه اسم انبیای الهی (علیهم السلام) آمده و آنان به مثابه مورث سالار شهیدان معرفی شده‌اند، لیکن وصف مذکور بعد از هریک، نشانگر ویژگی میراث است؛ یعنی امام حسین (علیه السلام) وارث «صفوة» و برگزیده بودن آدم (علیه السلام)، «نبوت» نوح (علیه السلام)، «خلّت» و دوستی ابراهیم (علیه السلام)، «کلیم» بودن موسی (علیه السلام)، «روح الله» بودن عیسی (علیه السلام)، «حبیب الله» بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، و «امیر مؤمنان» بودن علی (علیه السلام) بود. بدین ترتیب، مجموع کمالات گذشته در یک جا جمع شده است؛ «آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری»

... هرچند آن حضرت (امام حسین (علیه السلام)) دارای مقام شامخ نبوت تشریعی و رسالت، معهود نبود»^۳.

۱. تفسیر نوین، ص ۳۵۵.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

۳. ادب فنای مرقیان، ج ۲، ص ۹۵، آیه الله جوادی آملی.



۷ امام حسین علیه السلام را طبق تصریح حدیث قدسی، خدای تعالی به بالاترین مقام یعنی شهادت و سروری شهیدان راه حق از اوّل تا آخر، گرامی داشت.

در معنای کلمه شهید، صاحب جواهر الکلام فقیه بزرگ و نامدار شیعه چنین می نویسد:

«الشهید القتل فی سبیل الله تعالی لان ملائكة الرحمان تشهده، اولان الله تعالی و ملائکته شهود له بالجنة، او لانه ممن يستشهد به يوم القيامة على الامم الخالية، او لسقوطه على الشهادة اى الارض، او لانه حي عند ربّه حاضر، او لانه يشهد ملکوت الله و ملکه، ... الشهيد الحی، کان ارواحهم احتضرت دار السلام و ارواح غیرهم لا تشهدا الى يوم القيامة»^۱.

شهید یعنی کشته شده در راه خدای تعالی چون ملائکه خدای رحمان گواه و شاهدند بر کشته شدن شهید در راه خدای تعالی، یا اینکه شهید نامیده شد چون خدای تعالی و ملائکه شهادت می دهند برای شهید استحقاق بهشت را، یا اینکه شهید می گویند چون در راه خدای تعالی کشته شده و بر زمین می افتد، یا اینکه شهید نزد پروردگارش حیّ و حاضر است. یا اینکه ملک و ملکوت خدای تعالی برای او شهادت و گواهی می دهند، یا اینکه شهید می گویند چون حیّ و زنده است. یا اینکه هنگام شهادت ارواح شهیدان در دارالسلام حاضر می شوند ولی ارواح غیر شهیدان تا روز قیامت در دارالسلام حاضر نمی شوند بلکه بعد از قیامت در آن مکان مقدّس حاضر می شوند، یا اینکه شهید می گویند چون در روز قیامت بوسیله شهید خدای تعالی بر امتهای گذشته احتجاج و شاهد می آورد.

۱. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۸۸، الشیخ محمد حسن النجفی (ره).



۸ خدای تعالی در حدیث قدسی مورد بحث، امام حسین علیه السلام را «سیّد الشهداء» نامید، همانطوری که در قرآن کریم حضرت یحیی علیه السلام را هم «سیّد» نامید.

لسان العرب در معنای سیّد بودن حضرت یحیی علیه السلام نقل می کند:

«انّما اراد الرئيس و الامام فی الخیر»^۱.

— سیّد یعنی رئیس و امام و پیشوا در خیرات.

«السیّد الملك و السیّد الرئيس و السیّد السخی»^۲.

— سیّد یعنی حاکم و رئیس و سخاوت مند.

«النّبوی صلی الله علیه و آله : ما خلق الله شیئاً الا جعل الله له سیّداً»^۳.

— خدای تعالی خلق نکرده است چیزی را مگر اینکه برای آن سیّدی قرار داده است.

«السیّد المتولّی للسّواد ای الجماعة الكثيرة... فیقال سیّد القوم و لا یقال سیّد الثوب... و یقال ساد القوم یسودهم و لَمّا کان من شرط المتولی للجماعة ان یكون مهذب النفس قیل لكلّ من کان فاضلاً فی نفسه سیّد»^۴.

— سیّد متولّی و صاحب ولایت بر جمعیت کثیر را گویند... و سیّد القوم گفته می شود نه سیّد الثوب (لباس)... ساد القوم یعنی قوم را رهبری می کند، و از آنجایی که از شرایط ولایت بر جماعتی این است مهذب النفس (پاک سرشت) باشد، لذا هر کسی که دارای نفس بافضیلت باشد به او سیّد می گویند.

۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۰، ابن منظور.

۲. همان، ص ۲۲۹.

۳. سفینة البحار، ج ۴، ص ۳۳۰، محدث قمی.

۴. معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۴، الراغب الاصفهانی.

بنابر این معانی که سه منبع معتبر فوق الذکر برای کلمه «سید» نقل کرده‌اند عبارت است از: «رئیس، امام خیر، ملک، سخاوتمند، صاحب ولایت بر جمعیت کثیر، صاحب نفس بافضیلت»، و مرحوم محدث قمی از رسول خدا ﷺ نقل کرد که به هر چیزی و به هر مخلوقی، خالق متعال سیدی قرار داده است و حتی طبق فرمایش آن حضرت، پرندها هم سیدی دارند و آن عقاب است، پیامبران سیدشان خود رسول خدا ﷺ، اوصیاء سیدشان حضرت علی ﷺ، اهل بهشت سیدشان حسنین ﷺ است. و شهیدان سیدشان امام حسین ﷺ می‌باشد.

چرا که یکی از معانی «سید» الامام فی الخیر می‌باشد و امام حسین ﷺ مهمترین مصداق الامام فی الخیر است.

کلمه «الخیر» را دو جور می‌شود تفسیر کرد:

الف - الخیر یعنی تمامی ارزشها و نیکیها و پاکی‌ها.

ب - الخیر یعنی هدایت به سوی خدای تعالی.

طبق معنای اول حقیقتاً امام حسین ﷺ با قیام و جهاد و شهادتش تمامی ارزشها و نیکی‌ها و پاکی‌ها را تثبیت و احیاء کرد، آن حضرت در سخت‌ترین شرایط زندگی بود از اول محرم تا دهم محرم و روز عاشورا که به شهادت رسید، اما در رابطه با حفظ و احیاء ارزشها که مهمترین شان نماز است، هم نوافل هم فرائض هم نماز جماعت را برپا می‌کرد، این یعنی احیاء نماز، امام حسین ﷺ در حالی به اقامه و احیاء نماز می‌پرداخت که در کربلا در محاصره سی هزار گرگ و گراز وحشی بود، در نماز ظهر روز عاشورا که به جماعت اقامه کرد بعضی از یارانش شهید و مجروح شدند.

اهتمام فوق العاده‌ای که امام حسین ﷺ در کربلا به نماز داشت و در واقع خودش را فدای احیاء و اقامه نماز کرد، حجت را برای هر مسلمانی تمام کرد که هیچ‌گونه تعلیل و عذر و بهانه‌ای در ترک و عدم اهتمام به نماز از آنان پذیرفته

نیست و نباید کوچکترین سهل انگاری در این باره داشته باشند.

امام حسین ﷺ تمامی ارزشهای اسلامی و انسانی را اعم از واجب، مستحب، فردی و اجتماعی را مانند نماز احیاء و تثبیت کرد، چنانچه یزید پلید و بنی امیه هم بر عکس امام حسین ﷺ در صدد انهدام و از بین بردن تمامی ارزشهای اسلامی و انسانی بودند.

طبق معنای دوم «الخیر» که هدایت باشد، امام حسین ﷺ پیشوا و امام هدایت به سوی خدای تعالی است، و اختصاص الخیر به هدایت به خاطر این است که هدایت اکمل الافراد در میان نعمتها، و آن حضرت به تنهایی بیشتر از همه شهیدان باعث هدایت مردم شده و خواهد شد و اصلاً شهادت درسی است که دیگر شهیدان از آن حضرت یاد گرفتند و لذا به سید الشهداء ملقب گشت.

و یا اینکه سید الشهداء نامیده شد چون طبق نقل لسان العرب^۱، یکی از معانی سید، سخی و سخاوتمند است و امام حسین ﷺ در میان شهیدان در طول

۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۲۹، این منظور.

تاریخ سخاوتمندتر از همه شهداء بود، چون خودش و هرچه داشت و بود از طفل شش ماهه تا همه اصحابش و اولادش و خانواده اش و اموالاش را سخاوتمندانه برای رضای خدای تعالی و احیاء اسلام در معرض شهادت و اسارت گذاشت و خدای تعالی هم او را سید الشهداء نامید.

۹ یا اینکه سید الشهداء نامیده شد چون امام حسین علیه السلام از حیث آباء و اولاد، مقدس ترین و پاک ترین و بافضیلت ترین هاست در طول تاریخ تا روز قیامت، به طوری که احدی از شهداء دارای چنین خانواده ای نمی باشند؛ جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله اشرف پیامبران، جدّه اش حضرت خدیجه علیها السلام پاکترین و شریف ترین بانوی حجاز، و اولین نفری بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، قبل از اسلام باسواد بود چون در حجاز فقط هفده (۱۷) نفر باسواد بودند و می توانستند بخوانند و بنویسند، یکی از این هفده نفر حضرت خدیجه علیها السلام بود.

جدّ دیگرش حضرت ابوطالب علیه السلام بزرگترین حامی و کفیل رسول خدا صلی الله علیه و آله، شخصیتی که «اکثم صیفی دانشمند معروف عرب درباره اش گوید: من دانش و ادب و سیاست و فراست را از ابوطالب آموختم»^۱.

ابوطالب علیه السلام عالی ترین و محکم ترین ایمان را به خدای تعالی و رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، بطوری که امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر ایمان ابوطالب را در یک کفه ترازو نهند و ایمان همه مردم به کفه دیگر، ایمان ابوطالب راجح آید»^۲. و حضرت امام رضا علیه السلام درباره وظیفه مسلمان نسبت حضرت ابوطالب علیه السلام، در جواب سؤال کننده ای می فرماید: «... بدان که اگر به ایمان ابوطالب معتقد

۱. معارف و معارف، ج ۱، ص ۴۶۳، سید مصطفی حسینی دشتی.
۲. همان، ص ۴۶۵.

نگردی راحت به سوی آتش دوزخ خواهد بود»^۱. اگر بعضی ها به حضرت ابوطالب علیه السلام دشمنی و توهین می کنند به خاطر نقش حسّاس و سازنده ایشان بود در خدمت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و موفقیت آن حضرت، و همین طور به خاطر اینکه پدر بزرگوار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود و الا چرا کاری با عباس، و یا مخصوصاً با ابولهب ندارند؟! و اما نکته ای درباره حضرت خدیجه علیها السلام قابل ذکر است که ایشان قبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیچ مردی ازدواج نکرده بود و «بلاذری و ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی در کتاب شافی و شیخ طوسی در کتاب تلخیص گفته اند: وی هنگام ازدواجش با پیغمبر صلی الله علیه و آله باکره بوده، و مؤید این قول آنکه در دو کتاب انوار و بدع آمده که رقیه و زینب دختران خواهر خدیجه علیها السلام، هاله بنت خویلد بوده اند. (بحار: ۱۶ و ۱۸ و ۲۲)»^۲.

— جدّه دیگر امام حسین علیه السلام «فاطمه بنت اسد بن هاشم است، وی از زنانی است که در اسلام بر دیگران سبقت جسته، و پیغمبر صلی الله علیه و آله در وفاتش بسی از او تجلیل نمود و او را مادر خویش خواند و عمامه و جامه خود را جهت کفن او اختصاص داد و بر او نماز گزارد و پیش از اینکه جسدش را به قبر نهند خود حضرت در قبر خوابید و او را تلقین داد و چون عمار از آن حضرت سبب این همه تجلیل پرسید فرمود: او زنی بود که فرزندان را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد و آنها را برهنه می داشت و مرا می پوشانید و بدان ای عمار که در نماز فاطمه چهل صف از ملائکه شرکت داشتند»^۳.

— و اما پدر و مادر امام حسین علیه السلام مانند ماه و خورشید می درخشند، پدر

۱. همان، ص ۴۶۵.
۲. معارف و معارف، ج ۵، ص ۱۰۲.
۳. معارف و معارف، ج ۷، ص ۶۷۳ - اسد الغابة، ج ۷، ص ۲۱۷، ابن الاثیر.

حکیم سنائی غزنوی :

پسر مرتضی امیرحسین	که چنوئی نبود در کونین
اصل او در زمین علین	فرع او اندر آسمان یقین
اصل و فرعش همه وفا و عطا	عفو و خشمش همه سکون و رضا
خلق او همچو خلق پاک پدر	خلق او همچو خلق پیغمبر
مصطفی مرو را کشیده بدوش	مرتضی پروریده در آغوش
بر رخس انس یافته زهرا	کرده برجانش سال و ماه دعا
نبوی جوهری ز بحر جلال	یافته از کمال صدق جمال
او ز حیدر چو خاتم از جمشید	او ز احمد چو نور از خورشید
عقل در بند عهد و پیمانش	بوده جبریل مهد جنبانش
عشق او اولیست بی آخر	راز او باطنی است بی ظاهر
جگر گرم او ز آب زلال	منع کردند اهل بغی و ضلال
باد بر دوستان او رحمت	باد بر دشمنان او لعنت ^۱

* * *

۱. حذیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، ص ۲۶۸، حکیم سنائی غزنوی.



قال رسول الله ﷺ :

و الَّذی بعثنی بالحق نبیاً انّ الحسین بن علیّ فی السماء اکبر منه فی الارض، و أنّه لمکتوب عن یمین عرش الله عزّوجلّ: مصباح هدی، و سفینة نجاة و امام خیر و یمن و عزّ و فخر و علم و ذخیر^۱. سوگند به خدایی که مرا به نبوت حقّه مبعوث کرد، به درستی که حسین بن علی علیه السلام در آسمان، با عظمت تر از آنیکه در زمین است می باشد. و در سمت راست عرش الله عزّوجلّ، نوشته و حک شده؛ امام حسین علیه السلام، چراغ هدایت و کشتی نجات و پیشوای خیر و پیشوای خجستگی و امام عزّت و امام افتخار و امام دانش و امام ذخیره شده الهی برای سعادت دنیا و آخرت بشریت می باشد.

* * *

□ نکته ها و پیام ها :

۱ حقیقتاً سخن گفتن و نوشتن درباره حضرت امام حسین علیه السلام بسیار دشوار

۱. عیون و اخبار الرضا علیه السلام، ص ۴۸، مرحوم شیخ صدوق.



است چون هم شخصیتش و هم اوصافش و هم اعمال و مجاهدتهایش در راه دین و ایمان، بسیار خیره کننده و بی نظیر است.

امامی که از تمامی جهات با عصمت و معصومین احاطه شده است: خودش معصوم، جدش معصوم، پدرش معصوم، مادرش معصوم، برادرش معصوم، فرزندش معصوم، هکذا نوه اش تا هشتمین شان که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد همگی معصومین و اولیاء الله و حجج الله می باشند.

آیا در خزانه الهی و در میان صدویست و چهار هزار پیامبر و صدها هزار نفر اوصیاء آنان علیهم السلام، مثل و مانندی برای این گوهر بی بدیل خزانه الهی یعنی امام حسین علیه السلام سراغ دارید که این چنین در دریای عصمت غوطه ور باشد؟ حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام این چنین در احاطه معصومین نبودند.

در پرتو چنین اصالت و شخصیتش بود که الگوگیری از اوصاف و اعمال و مجاهدتهای امام حسین علیه السلام در وسیع ترین گستره از اعصار و امصار و اقوام و اعلام مطرح است. و نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در میان ملل غیرمسلمانان، توسط دانشمندان آنان مورد مدح و تأسی قرار گرفته، جمعی از ایشان به عنوان نمونه، عبارتند از:

«توماس کارلایل، گاندی، واشنگتن ایروینگ، ادوارد گیبون، ماربین دانشمند آلمانی، کورت فریشلر، بولس سلامه، چارلز دیکنس، ادوارد براون، جرج جرداق، رینولد نیکلسن، فلیپ حتی، سرپرسی سایکس»^۱ و هزاران نفر دیگر که امکان ذکر اسامی شان نیست.

و طبق نقل طبری، امام حسین علیه السلام هم، خودش را اسوه و الگوی بشریت

۱. امام حسین علیه السلام از دیدگاه دانشمندان شرق و غرب و علمای اهل سنت، آقای احمد رکنی.

معرفی کرده است: «فلکم فی اسوة»^۱

۲ در حدیث نبوی مورد بررسی، ابتدأ رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را از اکابر آسمان و عرش معرفی می کند، سپس مصباح هدایت یعنی چراغ و نورافکن هدایت و هادی سالکان صالح به سوی صراط مستقیم الهی می نامد، معلوم می شود:

الف - تا فردی جایگاه و پایگاه قابل توجهی در آسمان و عرش الهی نداشته باشد نمی تواند امام و هادی مردم باشد.

ب - هیچ امری با اهمیت تر و سرنوشت سازتر از هدایت و هادی نیست، چون سروکار این امر با جان و روح انسانهاست و لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله امر هدایت را بعد از خودش به مهمترین انسان در آسمانها و زمین یعنی امام حسین علیه السلام واگذار کرد.

ج - رسول خدا صلی الله علیه و آله امر هدایت را به اکابر آسمان و عرش سپرد تا به مردم هشدار دهد که رهبری خودشان و جوامعشان را فقط در اختیار کسانی قرار بدهند که حامل و حامی ارزشهای آسمانی باشند، و الا به سوی حیرت و هلاکت می روند، چنانچه مولوی در مثنوی رهبریت خودپرستان را مساوی گمراهی مردم می داند:

«طالب حیرانی خلقان شدی دست طمع اندر الوهیت زدی»^۲

مرحوم علامه جعفری در این باره می فرماید:

«یک دقت لازم و کافی می تواند اثبات کند که کثیف ترین و جنایت بارترین غرض ورزی ها همانست که یک انسان تمام فعالیت های فکری و روانی خود را

۱. سی مجلس، ص ۲۵۵، به نقل از تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۳.

۲. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۴، ص ۳، مرحوم محمد تقی جعفری.

تحت شرایط ذهنی خویش مطابق واقعیات نشان داده و هدفی جز این نداشته باشد که (ای انسان‌ها به من نگاه کنید)، نمی‌دانیم این انسان‌ها که به قول جلال‌الدین:

در هوای آنکه گویندش زهی بسته او بر گردن جانش زهی گرانبارترین زنجیر رکود و جمود را بر گردن جانش بسته است چگونه می‌خواهد جان‌های آدمیان را در راه اعتلاء و تکامل به حرکت بیاورد!!

ای مربی نازنین! ای رهبر ارواح انسانها! اگر هم نیروی اندیشه تو برای تحریک افراد یا جوامع انسانی ناقص و نسبی بوده باشد، اگر هم موقعیت عمومی تو نتواند اثر قابل توجهی در پیشبرد قافله انسانها ایجاد کند، می‌توانی با درک این حقیقت که محدودیت حواس و اندیشه و دریافته‌ها از یک طرف و مایه‌گذاری خود طبیعی تو از طرف دیگر هر لحظه‌ای تو را در معرض جرم و خطاء قرار داده است، سدی را از پیش پای قافله راه ابدیت برداری. حیران ماندن یک عده انسان تشنه، در موجودیت سرابی تو، چه دردی دوا خواهد کرد؟! چه دردی دوا خواهد کرد؟! چه دردی دوا خواهد کرد?!

پاک پروردگارا! ما را به حساسیت و عظمت راهی که در پیش گرفته‌ایم آگاه بساز، از پرتگاه نابودکننده احساس بی‌گناهی دور فرما.

آیا این یک جرم و گناه دیگری نیست که معذرت و عفو را از کسانی بخواهیم که موجب غرور و گول خوردن آنها باشد؟ آیا این یک جرم و گناه بدتری نیست که با طلب معذرت و عفو از مردم به بزرگی شخصیت خود بیفزائیم؟ نوشتن امثال این جملات که (مؤلف به نقص معلومات خود اعتراف دارد) با این هدف‌گیری که مردم بگویند: (چه مرد متواضع و فروتن!) و (واقعاً این مؤلف به اوج معرفت رسیده است یرا اعتراف به نقص و قصور خود می‌کند).

آیا امثال این‌گونه جملات ساختگی جز پرده‌پوشی و امضای غرض‌ورزی



خود و جهالت دیگران اثر دیگری دارد؟!^۱

۳ امام حسین علیه السلام مصباح هدایت بود به خداپرستی و ارزشهای الهی و ارزشهای انسانی، بعضی از خصوصیاتش به شرح ذیل است:

- مصباح هدایتی که هرگز خاموش نشد و نخواهد شد.
- مصباح هدایتی که نورش انواع ظلمات را از روح و جان انسانها می‌زداید.
- مصباح هدایتی که شعاع نورش شامل همه زمانها و مکانها می‌شود.
- مصباح هدایتی که هم عالم غیب و هم عالم شهود را روشن می‌کند.
- مصباح هدایتی که در یک مکان و یک زمان و یک میدان جهاد کرد ولی در همه مکانها و زمانها و میدانها بر همه طاغوتها پیروز گشت.
- مصباح هدایتی که چهارده قرن است که به شهادت رسیده ولی هنوز سیل یارانش از اقصی نقاط عالم به سوی مرقد پاکش سرازیرند.
- مصباح هدایتی که به ظاهر مرقد پاکش در کربلاست ولی در واقع هر انسان پاک‌زادی قلبش را مرقد او قرار داده است.
- مصباح هدایتی که قرآن کریم را بایستی زیر نور این چراغ تلاوت کرد.
- مصباح هدایتی که فرشتگان آسمان در طول عمرشان بیش یک مرتبه نوبت زیارت مرقدش به آنها نمی‌رسد، با اینکه فرشته‌ها عمری بسیار طولانی دارند.
- مصباح هدایتی که به نقل مرحوم علامه طباطبایی از استادش مرحوم غروی اصفهانی، سالی یک مرتبه برای اهل بهشت تجلی می‌کند.
- مصباح هدایتی که به برکتش حباب جهل و جور رو به اضمحلال، و عباب حکمت و نور رو به استحکام است.
- مصباح هدایتی که پایه و مایه‌اش از خون سالار شهیدان عالم سرور



جوانان اهل بهشت می باشد.

۴ در حدیث نبوی مورد بحث، رسول خدا ﷺ امام حسین ﷺ را سفینه نجاتش نامید، آن حضرت می دانست بعد از خودش حاکمان تبهکاری همچون یزید پلید، امتش را به تباهی کشانیده و از هر نوع حقیقت و نیکی و پاکی عاری خواهند ساخت، لذا برای دفع این تباهی ها، کشتی نجات امتش، امام حسین ﷺ را تربیت کرده بود.

آقای تولستوی در تاثیر رعایت ارزشها در عظمت می نویسد: «ما که از مسیح ﷺ مقیاس نیکی و زشتی را آموخته ایم وجود هیچ چیزی را که با این مقیاس قابل سنجش نباشد، قبول نداریم و معتقدیم در آنجا که سادگی و نیکی و حقیقت نباشد عظمت وجود نخواهد داشت»^۱.

آیا تباهی و قباحتی بدتر از این می شود تصوّر کرد که خادم حرمین شریفین تبدیل شود به خادم بلدین خیبین (امریکا اسرائیل)، و برای اینکه به سرنوشت صدام مبتلا نکنندش، به دستور آنان مردم سوریه، بحرین و سایرین را مورد شکنجه و قتل و غارت قرار می دهد؟!

آیا پست تر از این می شود تصوّر کرد، کسی که بر حکومت خلافت پانصدساله خلافت عثمانی تکیه زده باشد و تا دیروز اسرائیل را غاصب و ظالم دانسته، داشت به قهرمان مبارزه با اسرائیل غاصب تبدیل می شد و حتی در دفاع از مظلومین فلسطین تعدادی از جوانان کشورش به دست صهیونیستها به شهادت رسیدند، حالا تبدیل به پادو امریکا اسرائیل شده.

و به قتل و غارت مردم سوریه به جرم مقاومت در مقابل اسرائیل غاصب، پرداخته و آتش بیار معرکه هم شده است؟!

۱. جنگ و صلح، ج ۴، ص ۱۹۰، ل-ن-تولستوی.

۵ «پیشوای خیر» عنوان دیگری است که رسول خدا ﷺ به امام حسین ﷺ نهاده و نامیده است.

مرحوم آیت الله سید علی قاضی در این باره می فرماید: «محال است انسانی به جز از راه سید الشهداء ﷺ به مقام توحید برسد. سریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سید الشهداء ﷺ است و پیشکار این فضیلت هم حضرت ابوالفضل العباس ﷺ است».

— آزادی و حرّیت از رقیّت و بندگی هر نوع طاغوتی، با ارزش ترین خیرات است که امام حسین ﷺ با جهاد عظیمش و با فدا کردن خودش، خانواده و اولادش و اقوامش و یارانش، به بشریّت تعلیم و اهداء کرد، چرا که انسان منهای حرّیت مساوی حیوانیّت است.

و مرحوم علامه جعفری درباره بهترین خیرات بودن آزادی می نویسد: «چه نعمتی باارزش تر از این برای انسان می توان تصوّر کرد که با تحصیل آزادی شخصیت روحی، شخص می تواند تمام انسان و جهان را در موجودیّت خود دریابد و خود را در تمام انسان و جهان»^۱.

هر جمله ای از سخنان امام حسین ﷺ در خطاباتی که در میدان و در مسیر کربلا ایراد فرموده است، منشور درخشان جهانی است در موضوع خودش، شایسته است که به همه زبان های رایج دنیا ترجمه شوند.

امام ﷺ در آخرین لحظات عمر مبارکش، دو نوع زندگی را به ترتیب اهمیّت برای انسانها ترسیم کرده است:

— الف: حیات دینی

— ب: حیات احرار

۱. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۴، ص ۶، مرحوم محمد تقی جعفری.

خطاب به پیروان آل ابی سفیان، می‌فرماید:

«ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم»^۱

اگر در زندگی تان پیروی از دین نمی‌کنید و روز قیامت را هم قبول ندارید، پس زندگی احرار و آزادمردان را در پیش بگیرید.

مخاطب امام حسین علیه السلام در واقع همه انسانها هستند تا روز قیامت، و هر انسانی ابتداءً باید سعی کند حیات دینی داشته باشد و اگر چنین توفیقی را نداشت لااقل از حیات احرار تنزل نکند، و الا از مصادیق «نشاید که نامت نهند آدمی» می‌شود.

امام علیه السلام به یکی از خصوصیات مهم و مشترک هر دو حیات که عبارت است از عدم پذیرش ذلت و خواری، چنین تصریح می‌کند:

«الا انّ الدّعی ابن الدّعی قدر کزبین اثنتین بین السّلة و الذّلة و هیّات ممّا الذّلة»^۲

آگاه باشید که این فرومایه و فرزند فرومایه مرا در بین دوراهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیّات که ما به زیر بار ذلت برویم.

آن حضرت مکرراً به قباحت ذلت‌پذیری تأکید و تصریح کرده، چون به هر اندازه و به هر مقدار کسی زندگی ذلت‌بار را عمداً قبول بکند همان مقدار و اندازه ارزش انسانی و انسانیت او نقصان پیدا می‌کند.

و در منابع معتبر لعنت، خیر را ضدّ شرّ تفسیر کرده‌اند.^۳

«خیر آن است که همه بدان رغبت کنند مانند عقل و عدل و غیره، و چون

۱. سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۳۳۱.

۲. همان، ص ۲۵۰.

۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۴، ابن منظور: النهایة، ج ۲، ص ۹۱، ابن الاثیر.

حکمت مرغوب و دلپسند است لذا بدان خیر اطلاق شده و بمال آن وقت خیر اطلاق می‌شود که بسیار و پاک باشد از حضرت علی علیه السلام نقل است که به منزل یکی از موالی خود رفت او گفت: یا امیرالمؤمنین آیا وصیت کنم؟ فرمود: نه چون خدا فرموده: «ان ترک خیراً^۱: و تو مال زیاد نداری».

امام حسین علیه السلام امام خیر و اقیانوس تمامی خیرات و برکات، و امام و رهنما به سوی تمامی ارزشها از قبیل دین، عقل، عدل، پاکی، شرافت، غیرت، علم، ایثار، جهاد، هجرت، دیانت، شجاعت، تواضع، احسان، حلم، جود، کرم، عاطفه، مدیریت، صبر، سیاست، معرفت، برکت، حکمت، محبت، صداقت، اخلاص، عبادت، رضا، رشد، طهارت، مجد، شفاعت، سعادت، فیض، یقین، شهادت، هدایت، امانت، حق، حزم، رفق، مودت، ولایت، و هر خیر و برکت و ارزش دیگری که در فرهنگ ادیان و ارزشهای انسانی وجود دارد، می‌باشد.

۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را «امام یمن» نامید، یمن به معنای مبارک و خجسته بودن است.

«خجسته: مبارک، خوب و خوش، بمعنی گل همیشه بهار هم گفته شده»^۲.

در واقع سرسبزی و خرمی و همیشه بهاری اسلام به برکت و به وجود امام حسین علیه السلام است بطوری که بدون آن حضرت، گویا اسلام و مسلمین را فصل خزان و خمودی فرامی‌گیرد.

— ماه رمضان بهار قرآن، ماه محرم، بهار پویایی اسلام و مسلمین است.

— شکوفایی طبیعت در فصل بهار، شکوفایی اسلام در محرم و عاشورا است.

— فصل بهار مایه و پایه دیگر فصول سال، و محرم و عاشورا، مایه و پایه

۱. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۱۹، سید علی اکبر قرشی.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۴۲.

ایمان و سعادت است.

– ماه محرم و عاشورا، بهار گل‌های شقایق دشتهای شهادت شهیدان در طول تاریخ است.

– ماه محرم و عاشورا، فصل بهار مرثیه، نوحه و عزاداری است.

– ماه محرم و عاشورا، فصل بهار و فصل باران اشک و آه نیکان و پاکان است.

– امام حسین علیه السلام گل همیشه بهاری که ثابت کرد با یک گل هم بهار می‌شود، «قیام امام حسین علیه السلام ثابت کرد که با یک حرکت خالصانه می‌توان تاریخ را متحول کرد و با یک گل بهار می‌شود»^۱.

۷ امام حسین علیه السلام سفینه النجاة است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن بیان عظمت و فضائل و جایگاه بالا و والای امام حسین علیه السلام در سعادت و هدایت بشریت در دنیا و آخرت، با بیان دو کلمه «سفینه و نجات» دنیا را به دریایی طوفانی، ظلمانی، هلاکت‌بار و خطرناک تشبیه کرده‌اند، و از سوی دیگر انسانها ناچارند از این دریای خطرناک عبور کنند و راه دومی غیر از این دریا ندارند، ضمن اینکه اسباب و ابزار عبور و شنا کردن را بایستی داشته باشند احتیاج مبرمی به گروه نجات غریق و کشتی مطمئن نجات دارند، و این نیست جز امام حسین علیه السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با بیان عبارت «سفینه النجات» به چند واقعیت مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی انسانها اشاره کرده است:

الف - به راهی که کاروان بشری ناچار است از آن عبور کند که همین دنیاست، همچون دریایی که مملو از خطرات هلاکت‌بار و طوفانهاست. چنانچه قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

۱. قرآن و امام حسین علیه السلام، ص ۳۴، آقای محسن قرائتی.

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَاqِيهٖ﴾^۱

ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می‌روی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد.

ب - به خطراتی که در این دنیا طوفانی در کمین انسانها هستند، همچون دریای طوفانی که خطراتی از قبیل غرق شدن و یا گرفتار حیوانات دریایی شدن و یا گرفتار دزدان دریایی شدن و یا گرفتاری‌های دیگری که هم در دریا و هم در دنیا پیدا می‌شوند.

ج - به فکر کشتی نجات بودن اشاره فرموده است، چرا که انسان هوشیار قبل از ورود به دریای طوفانی، حتماً به فکر کشتی نجات می‌افتد.

«حسین علیه السلام یعنی کسی که صورت‌سازی‌ها و تمام حق‌کشی‌ها و بیدادگری‌ها و حيله‌گری‌های (ماکیاولی) را که به نام آیین مقدس اسلام به دست جالادان می‌گساری مانند یزید بن معاویه رایج شده بود در روی ریگ‌های سوزان دشت نینوا انبوه کرده با یک ضربه الهی متلاشی ساخت»^۲.

۸ خطراتی که در دنیای طوفانی در کمین انسانها هستند به مراتب هلاکت‌بارتر از خطراتی‌اند که در دریای طوفانی در کمین‌اند، چنانچه خواجه حافظ شیرازی می‌گوید:

کاروان رفت و، تو در خواب و، بیابان در پیش

کی روی؟ ره ز که پرسى؟ چه کنى؟ چون باشى؟

اگر در دریاها دزدان دریایی در کمین مسافران‌اند، در دنیا هم معاویه‌ها، یزیدها، صهیونیستها، وهابیه‌ها در کمین‌اند.

۱. سورة انشقاق، آیه ۶.

۲. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی، ج ۴، ص ۵۸۹، مرحوم علامه محمد تقی جعفری.

اگر در دریاها نهنگهای قاتل در کمین اند، در دنیا هم شیاطین انسی و جنی در کمین هستند.

اگر در دریا طوفان امواج سهمگین مسافران را به کام مرگ می کشاند، در دنیا هم طوفانهای نفس سرکش و اماره به بدیها و زشتیها انسانها را به هلاکت واقعی می کشاند.

امام حسین علیه السلام را رسول خدا صلی الله علیه و آله کشتی نجات معرفی کرد، همانطوری که زیارت جامعه کبیره، امام علیه السلام را اساسه العباد (سیاستمداران بندگان) و ارکان البلاد (ارکان و ستونهای محکم استقرار شهرها) و قادة الهداة (زمامدارانی که مردم را به سوی خدای تعالی هدایت می کنند) قرار داده است.

یکی از مظاهر سفینه النجاة بودن امام حسین علیه السلام بدین صورت متجلی می شود که در جهت دفع دزدان دریایی و دنیایی امثال یزید، تا روز قیامت برای مردم آن بصیرت و شجاعت و جرئت لازم را تعلیم داده و تربیت کرد، تا خودشان در هر زمانی و هر مکانی در مقابل هر ستمگری قیام کرده و دستش را از جان و مال و دین و دنیای خود کوتاه کنند.

۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را پیشوای علم و آگاهی معرفی کرد. هیچ معلمی به اندازه امام حسین علیه السلام برای بشریت دانش و آگاهی تعلیم و تربیت نکرده و همه این درسها را با شهادتش اثبات و امضاء کرد و همین نکته یکی از دلایل بهترین معلم بودن آن حضرت، و ماندگاری درسهایش می باشد.

فهرست برخی از تعلیمات امام حسین علیه السلام برای بشریت عبارتند از:

الف - اگر دین ندارید لا اقل آزادمرد و حر باشید.

«ان لم یکن دین و کنتم لا تخاون المعاد کونوا احراراً فی دنیاکم»^۱.

۱. سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۳۳۱.



ب - مرگ بهتر از زندگی ننگین است «الموت اولی من رکوب العار»^۱.
ج - ننگ بهتر از داخل شدن در آتش جهنم است «و العار اولی من دخول النار»^۲.

د - در مقابل دشمن سر فرود نیاورید «انا الحسین بن علی آلیت ان لا اثنی»^۳.
ه - هیچ وقت ذلت و خواری را قبول نکنید «هیها منّا الذلة»^۴.
و - بدانید دنیا برای مؤمن زندان، و برای کافر بهشت است «انّ الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر»^۵.

ز - دنیا را برای دوستی خود انتخاب نکنید «یا دهرافّ لك من خلیل»^۶.
ح - خشنودی خلق را بر غضب خالق مقدم نکنید «لا افلح قوم اشتروا مرضات المخلوق بسخط الخالق»^۷.

ط - در محیط و اجتماعی که ذلت و ظلم حاکم باشد مردن سعادت بوده و زندگی در چنین محیطی رنج و نکبت است «فانی لا اری الموت الاسعاده و الحیاة مع الظالمین الا برماً»^۸.

ی - امام حسین علیه السلام در خطاب به عبیدالله حرّ جعفری به همگان فرمود: از گمراهان برای خود یار و کمک کار انتخاب نکنید «و ما کنت متخذ المضلّین عضداً»^۹.

۱. سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۳۲۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۴۹.

۵. همان، ص ۲۲۶.

۶. همان، ص ۲۱۸.

۷. همان، ص ۱۹۷.

۸. همان، ص ۱۹۱.

۹. همان، ص ۱۷۴.



ق - در هر حال، اعم از پیروزی و شکست، حُسن ظنّ به خدای تعالی داشته باشید «لارجوان یكون خيراً ما اراد الله بنا قُتِلنا ام ظفرنا»^۱.

ر - در کارها و برنامه‌هایتان از خودخواهی و خوش‌گذرانی و فساد و ستم دوری کرده و قصد اصلاح و احیاء خوبی‌ها را داشته باشید: «أنتی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ﷺ»^۲ ارید ان آمر بالمعروف و انھی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی علی بن ابیطالب»^۳.

ش - افراد فاسد و فاسق را به حکومت خود انتخاب نکرده و با آنان بیعت نکنید «یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمه معین بالفسق و مثلی لا یباع مثله: یزید مردی شراب‌خوار است و دستش به خون افراد بی‌گناه آلوده شده و در مقابل چشم مردم مرتکب فسق و فجور می‌شود، شخصی همچون من (امام حسین ﷺ) (با آن سوابق درخشان و فضائل و کمالات بی‌نظیر) با چنین مرد فاسدی بیعت نمی‌کند»^۳.

- اینها گلچینی و نمونه‌هایی از منشورات حسینی است که آن حضرت در کربلا و در مسیر کربلا به جهانیان تا روز قیامت ارسال، و با خون پاکش امضاء و تثبیت کرده است.

اساساً دانشی صددرصد حقیقت، تماماً نور و صواب است و می‌تواند منشور ابدی و جهانی باشد که صاحبش عالم‌ماکان و ما یكون باشد، و امامان معصوم و امام حسین ﷺ این چنین بودند.

و علم در حدیث نبوی مطلق است شامل همه علوم می‌شود، لذا ائمه ﷺ

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۱۵.



عالم همه علوم بودند، و از سوی دیگر آن بزرگواران به اذن خدای تعالی: «انّ الامام اذا شأن یعلم علم»^۱ بودند، یعنی وقتی که اراده می‌کردند بدانند می‌دانستند. و به طور کلی هرچه علم حقیقی و بیان صوابی در دنیا وجود دارد منشأ و منبع‌اش معصومین ﷺ می‌باشد؛ «لیس عند احدٍ من الناس حقّ و لا صواب الاّ شیء اخذوه منّا اهل البیت»^۲.

۱۰ امام حسین ﷺ امام علوم و امام علماء است.

ممکن است این مطلب برای کسانی که به مقام امام معصوم معرفت کافی ندارند تعجب‌آور باشد، اما اگر توجّهی به مقامات تربیت یافته‌های معصومین ﷺ بشود مسئله روشن‌تر می‌گردد. قابل توجه است که امام حسین ﷺ و همین‌طور دیگر معصومین ﷺ هیچ‌گونه کمبودی از حیث واجدیت انواع علوم را ندارند، بلکه این ما هستیم که قابلیت و لیاقت لازم جهت درک و دریافت علوم و معارف امام ﷺ را نداریم.

اما در رابطه با تربیت یافته‌گان امام ﷺ

به عنوان نمونه سلمان فارسی یا سلمان محمدی حدود سیصد سال زندگی کرد، قبل از اینکه تحت تعلیم و تربیت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و سیده‌النساء ﷺ قرار گیرد مربیان و علمای زیادی را درک کرده بود ولی آن ترقّی و تکامل شگفت‌انگیز وی در زمانی حاصل شد که محضر پرفیض معصومین ﷺ را درک کرد و این در حالی است که استعداد انسان در سنین پیری از سنین جوانی‌اش کمتر است، با این همه چون سلمان آن قابلیت و لیاقت لازم را داشت

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۱۵۷.



توانست در حدود بیست سال آخر عمرش در سایه تعلیم و تربیت معصومین علیهم السلام به بالاترین مقامات علمی و معنوی برسد بطوری که:

«عالم به اسم اعظم شد، و ایمان ده درجه است و سلمان در بالاترین درجه یعنی درجه دهم رسید، و رسول خدا صلی الله علیه و آله به دستور خدای تعالی علم بلایا، علم منایا، علم فصل الخطاب، علم انساب و علوم دیگر را به سلمان یاد داد. سلمان علم اول و آخر را درک کرده و دریای بی پایان علوم و معارف بود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبها کلاس درس خصوصی برای سلمان داشت، و امیرالمؤمنین علیه السلام برای سلمان درسهای درباره اسرار و علوم الهی تدریس می کرد که احدی غیر از سلمان توان تحمل آن علوم را نداشت. و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سلمان از من است هر کس به او ظلم کند به من ظلم کرده است، هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است، و بالاخره سلمان از اهل بیت علیهم السلام گردید»^۱.

علم منایا و علم بلایا عبارت است از: «آگاه بودن به سر رسید آجال (عمرها) و حدوث حوادث (بلاها)، که به اولیاء الله اختصاص دارد. و علم فصل الخطاب دانستن همه زبانهاست»^۲.

سلمان فارسی یکی از تربیت یافته گان امام معصوم بود. به مقاماتی از کمالات رسید، که برای ما قابل تصور نیست.

با این همه، کمالات سلمان در برابر کمالات امام حسین علیه السلام مانند قطره به اقیانوس است لذا به راحتی می توان گفت آن حضرت، امام همه علوم و دانشها است.

حتی خدای تعالی به امام حسین علیه السلام به قدری از عظمت عنایت کرده بود که با یک نگاهش به فردی که لیاقت داشت، در یک لحظه به عالی ترین مقامات از

۱. سلمان الفارسی فی مواجهة التحدی، ص ۱۳، العلامة السید جعفر مرتضی العاملی.

۲. معارف و معارف، ج ۹، ص ۶۲۷، سید مصطفی حسینی دستی، ج ۸، ص ۶۱.

کمالات رسانید، همچنانکه در یک جلسه چند دقیقه ای زهیر بن قین و حرّ ریاحی و غیرهم از اولیاء الله، و از فرماندهان لشکر امام حسین در کربلا، و از عالی مقام ترین شهیدان در طول تاریخ گشتند.

۱۱ آری رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را امام علوم نامید، چون علم و دانش سرآمد و بهترین همه فضائل و ارزشهاست. و الا امام حسین علیه السلام پیشوا و امام همه فضائل و ارزشهاست نه فقط پیشوای علم و دانش.

معصومین و امام حسین علیه السلام همچون آفتاب عالمتاب اند که بدون آنها دنیا سرد و تاریک می شود، این موضوع را انسانهای فهیم به مرور زمان متوجه می شوند و لذا دین اسلام بیشترین گرایش و استقبال را به خود اختصاص داده است و برای همین خاطر است که ابو جهل های غربی دستپاچه شده و دیوانه وار دست به قرآن سوزی و ساختن فیلم توهین آمیز بر علیه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله می زنند. جهانی شدن دین اسلام حتمی است و این وعده خدای تعالی می باشد. و این به خاطر هدایت های معصومین علیهم السلام مخصوصاً امام حسین علیه السلام، و به خاطر آن محتوای منطقی اسلام و مطابق بودن با فطرت الهی انسان است که روز بروز در حال شکوفایی و جهانی شدن می باشد.

۱۲ امام حسین علیه السلام امام عزّت و افتخار و ذخیره الهی است. عبودیت و بندگی خدای تعالی برای انسان با عظمت ترین عزّت، و اینکه خدای تعالی پروردگار انسان است، بالاترین افتخار و مباهات انسانی می باشد.

و اگر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله با عزّت ترین و پرافتخارترین مخلوق خدای تعالی است، چون در عبودیت و اظهار بندگی برای خدای تعالی اولین بود، و صفت عبد به صورت مطلق در معارف اسلامی مخصوص آن حضرت می باشد، حتی قبل

از وصف رسالت بدان تصریح شده تا همگان بدانند بندگی خدای تعالی تنها راه تکامل و عزّت و سعادت می باشد. و در همین راستا است که بر هر مسلمانی واجب است در شبانه روز در نمازش که ستون دین است، شهادت بدهد که حضرت محمد ﷺ عبد و رسول خدای تعالی است: «اشهد انّ محمداً عبده و رسوله». امام حسین ﷺ ضمن اینکه وصی رسول خدا است، بهترین مربی تعلیم و تربیت عزّت و افتخار برای انسانهاست.

همانطوری که گفتیم عزّت فقط در بندگی خدای تعالی می باشد و اقل مراتب عزّت و بندگی انجام واجبات و ترک محرمات است تا برسد به جایی که «پسندد آنچه را جانان پسندد»، چنانچه امام حسین ﷺ به هنگام خروج از مکه به سوی کربلا فرمود:

«رضا الله رضا اهل البيت: خشنودی خداوند خشنودی ما اهل بیت است.» و آن حضرت برای خشنودی خدای تعالی هرچه داشت فدا کرد.

در این باره در دیوان آتشکده مرحوم نیر گفتگویی را که بین امام حسین ﷺ و جبرئیل ﷺ در کربلا صورت گرفته، چه نیکو به نظم کشیده شده:

جبرئیل این که بینی نی منم	اوست یکسر من همین پیراهنم
گفت شاهها خواهرانت بیکس است	گفت او خود بیکسان را مونس است
گفت چشم دخترانت در ره است	گفت عشق از دیدن غیر اکمه است
گفت ترسم زینبت گردد اسیر	گفت سوی اوست از هر سو مسیر
گفت سجادت فتاده بی طیب	گفت بیماریش خوش دارد حبیب
گفت بهرت آب حیوان آورم	گفت من از تشنگی آنسو ترم
جبرئیل من ز جون بگذشته ام	آب حیوان را در آنسو هشته ام
گفت خواهد شد سرت زیب سنان	گفت گو باش او چو می خواهد چنان ^۱

۱. دیوان آتشکده نیر، ص ۴۷.

همچنانکه حضرت ابو الفضل ﷺ با تبعیت از امام و مقتدایش هرچه داشت در راه رضای خدای تعالی فدا کرد، و مرحوم عثمان سامانی در این باره بسیار زیبا سروده است:

بس فرو بارید بر وی تیر تیز
مشک شد بر حالت او اشک ریز
اشک چندان ریخت بر وی چشم مشک
تا که چشم مشک، خالی شد ز اشک
تا قیامت تشنه کمان ثواب
مخورند از رشحه آن مشک آب
بر زمین آب تعلق پاک ریخت
وز تعین بر سر آن خاک ریخت
هستیش را دست از مستی فشاند
جز حسین اندر میان چیزی نماند^۱
نیست صاحب همّتی در نشأتین
همقدم عباس را، بعد از حسین
در هواداری آن شاه الست
جمله را یک دست بود او را دو دست^۲
امام حسین ﷺ هرچه داشت برای خدای تعالی داد، و هرچه خداوند خواست آن کرد، و به قول جبران خلیل جبران:
«بگذار بهترین بخش هستی تو از آن دوستت باشد.»^۳

۱. گنجینه اسرار، ص ۵۴، عثمان سامانی.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. کتاب پیامبر، ص ۷۴، جبران خلیل جبران.

امام حسین علیه السلام که خود بهترین بود، بهترین بخش را هستی اش که جان مقدّسش بود برای دوست یعنی خدای تعالی تقدیم کرد و «هر موجودی که از عالم طبیعت بگذرد و به کمال «عندالله» بودن برسد برای همیشه باقی خواهد ماند ... زیرا تنها حریم قدس باری تعالی است که از زوال، تغییر و تبدیل مصونیت دارد و هرچه به خدا انتساب پیدا کند، بقاء خواهد یافت و از تیررس زوال پذیری و فنا دور خواهد ماند ... ائمه اطهار علیهم السلام که انسانهای کامل و معصوم اند فنا یافته های محض در ذات اقدس باری تعالی هستند و تمام حرکات و سکنات آنها برای تحصیل رضای اوست. از این رو نه تنها اعمالشان، بلکه گوهر ذاتشان «وجه الله» و مظهر «هو الباقی» است.^۱

خدای تعالی هم در مقابل، امام حسین علیه السلام را امام همه ارزشها و ذخیره الهی برای جویندگان ارزشها، و پناهگاه آنان در دنیا و آخرت قرار داد. آن حضرت مانند ابری است پر از آب و انواع برکات دیگر که تمامی آسمان دنیا را فرا گرفته و می بارد، این انسانها هستند که بایستی از دخمه ها بیرون آمده و از سحب رحمت عالمگیر حسینی بهره مند شوند. این درس را با یک نکته از ویکتور هوگو به پایان می بریم: امام حسین علیه السلام یعنی «خلاصه کردن عالم خلقت در یک موجود، و بزرگ کردن یک موجود تا مقام ...»^۲

۱. ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۶۵، آیه الله جوادی آملی.
۲. بینوایان، ج ۲، ص ۱۰۶۱، ویکتور هوگو.

درس چهارم

حبیب امام حسین علیه السلام
محبوب خدای تعالی است

□ □ □

□ نکته‌ها و پیام‌ها:

۱ حدیث مورد بحث از احادیث قدسی است که هم مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین، و هم مرحوم مجلسی در بحارالانوار آورده‌اند. براستی چرا خدای تعالی خودش اقدام به نام‌گذاری امام حسین علیه السلام نموده است؟

شاید آن حضرت «ثارالله» است الله متعال خودش اقدام به نام‌گذاری کرده است. البته ثارالله نه اینکه خون خدا، بلکه ثارالله یعنی ای کسی که خون‌بهای تو متعلق به خدای تعالی است و او خون‌بهای تو را می‌گیرد. «گاهی بعضی از مسیحیان می‌گویند اگر ما مسیح علیه السلام را ابن الله می‌گوئیم درست مانند آن است که شما به امام حسین علیه السلام ثارالله و ابن ثاره (خون خدا و فرزند خون خدا) می‌گوئید و یا در پاره‌ای از روایات به علی علیه السلام یدالله اطلاق شده است.

ولی باید گفت: اولاً - این اشتباه بزرگی است که بعضی ثار را معنی به خون کرده‌اند، زیرا ثار هیچگاه در لغت عرب به معنی خون نیامده است بلکه به معنی خونبها است، (در لغت عرب به خون «دم» اطلاق می‌شود).

بنابراین ثارالله یعنی ای کسی که خون‌بهای تو متعلق به خدا است و او خون‌بهای تو را می‌گیرد، یعنی تو متعلق به یک خانواده نیستی که خون‌بهای تو را

رئیس خانواده بگیرد، و نیز متعلق به یک قبیله نیستی که خون‌بهای ترا رئیس قبیله بگیرد تو متعلق به جهان انسانیت و بشریت می‌باشی، تو متعلق به عالم هستی و ذات پاک خدایی، بنابراین خون‌بهای تو را او باید بگیرد.^۱ بنابراین نام امام حسین علیه السلام را خدای تعالی اختیار کرده چون خون‌بهای آن حضرت متعلق به خدای تعالی، و ثارالله است.

۲ اینکه خدای تعالی می‌فرماید من او را حسین علیه السلام نام‌گذاری کردم، چه پیامی را می‌خواهد به مردم برساند؟
چند احتمال وجود دارد:

الف - مولودی را که خدای تعالی نام‌گذارش باشد، زوال‌پذیر نیست با اینکه جسمش را قطعه قطعه هم بکنند اما نمی‌توانند نام، مردم، مکتبش را از بین ببرند. همانطوری خود خداوند هم زوال ندارد.

ب - خدای تعالی شاید می‌خواسته حس کنجکاو را در مردم با این نام‌گذاری، ایجاد بکند که به معرفت و شناخت درباره امام حسین علیه السلام حساس و کنجکاو شوند، چه مولود با عظمتی است که خدای تعالی شخصاً اقدام به نام‌گذاری او کرده است.

ج - اگر خدای تعالی اقدام به نام‌گذاری امام حسین علیه السلام کرد، حتماً در تعلیم و تربیتش هم عنایت ویژه‌ای دارد، چون تعلیم و تربیت به مراتب مهم‌تر از نام‌گذاری می‌باشد، چنانچه حدیث «انا صنایع ربنا» بیانگر این مطلب است.

د - شاید خدای تعالی می‌خواسته عملاً به مردم پیام بدهد که در نام‌گذاری فرزندان‌شان از کلمات و اسامی ارزشی و اسلامی استفاده کنند، چرا که نام‌گذاری از قدم‌های اولیه تعلیم و تربیت است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۲۹.

هـ - شاید خدای تعالی با انتخاب کلمه «حسین»، آن حضرت را با توجه به معنای کلمه حسین، مجموعه ارزشها و زیباییها معرفی می کند، همانطوری که چنین هم است.

۳ خدای تعالی برای رسول خدا ﷺ به خاطر تولد و شهادت امام حسین علیه السلام تبریک و تسلیت فرستاد، همانطوری در عرف مردم نیز چنین آدابی معمول است. ولی بعید است که خدای تعالی بخواهد فقط چنین آدابی را رعایت فرماید، بلکه پیامهای بالا و والایی را حتماً خواسته است به انسانها داشته باشد:

الف - معیار و ملاک عیدها و ایام شادی و ایام غم بایستی مطابق خشم و خشودی خدای تعالی باشد، نه معیارهای خرافه ای و افسانه ای. همانطوری که ایام تولد و شهادت امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق ایام خشم و خشنودی خدای تعالی می باشد.

ب - خدای تعالی با تبریک و تعزیت گفتن به خاطر تولد و شهادت امام حسین علیه السلام، برای همیشه روزهای سوّم شعبان و دهم محرم را ایام جشن و عزاء اعلام کرده، بایستی مردم هم رعایت بکنند.

ج - تبریک و تعزیت دادن خدای تعالی برای رسول خدا ﷺ به خاطر تولد و شهادت امام حسین علیه السلام، بیانگر بسیار دردناک بودن شهادت، و بسیار مبارک بودن تولد امام علیه السلام می باشد.

الف - خبر از بدترین دوران تباهی مسلمین می دهد که در مدت کمی بعد از وفات رسول خدا ﷺ مسلمانان آن چنان به سقوط و قهقرا و تباهی رسیدند که بدترین جنایت در طول تاریخ یعنی فاجعه کربلا را بوجود آوردند.

ب - خدای تعالی مسلمانان را هشدار می دهد که مواظب باشند که مبتلی به جهل و غفلت نشوند و الا به بدترین ظلمات و ظلمها دست دراز می کنند، همانند ظلمی که اشرار امت در کربلا مرتکب شدند.

ج - عبارت «یقتله اشرار امتك» جواب است به افراد روسیاهی مانند وهابیها که از یزید پلید دفاع کرده و حتی به این ملعون فضیلت تراشی کرده و کتابی هم تحت عنوان «فضائل امیرالمؤمنین یزید» لعنه الله، می نویسند.

د - خدای تعالی ضمن بیان عبارت «اشرار امتك» جایگاه بنی امیه را در میان امت برای همیشه روشن می کند، و جواب است به بعضی ها که از روی جهالت و غفلت به لعن بنی امیه در زیارت عاشوراء اعتراض دارند، در حالی که خدای تعالی بنی امیه و بانیان و تابعان آنها را اشرار امت می نامد، و پرواضح است که لعن چنین اشراری از بهترین اعمال می باشد.

۵ عبارت «علی شرار الدواب» بر بدترین اسبان سوارند» بسیار قابل توجه و عبرت آموز است. چون در ابتداء چنین تصوّر می شود که اسب حیوان بوده و تکلیفی ندارد تا متّصف به خوب یا بد بشود، و این درست است ولی این عبارت کوتاه پیامهای بلند دیگری دارد:

الف - شرّ و شومی سواران بر این اسبها به قدری زیاد بوده است که اسبهایشان نیز مثل خودشان شدند. و این کنایه از کثرت و شدّت شومی و شرّی و شقاوت لشگریان یزید پلید در کربلا می باشد.

ب - اگر اسب به خاطر تعلق به فرد شرور کسب شرارت می کند، پس هر چیز